

۱۴۰۲/۱۳/۱۴

رویکردهای نوین به مدیریت آموزشی (الگوها و نویدها)

تألیف :
ویلیام فاستر

ترجمه :
دکتر علی علاقه‌بند

ارباران
نشر از سباران

عنوان و نام پدیدآور: رویکردهای نوین به مدیریت آموزشی (الگوها و نویدها) / تألیف: ویلیام فاستر؛ ترجمه: دکتر علی علاقه‌بند
مشخصات نشر: تهران: نشر ارسباران، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: بیست - ۲۱۲ ص: نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۵-۸۷-۶
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی

Paradigms and Promises. New Approaches to Educational Administration, 1986

موضوع: مدرسه‌ها -- ایالات متحده -- مدیریت و سازماندهی
موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- مدیریت -- تحول سازمانی -- کارآمدی سازمانی
رده‌بندی کنگره: LB ۲۸۰۵
رده‌بندی دیویی: ۳۷۱/۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۸۷۵۳۲

بیایید به حقوق دیگران احترام بگذاریم

مخاطب عزیز، خواننده گرامی، این کتاب حاصل دسترنج چندین ساله مترجم و ناشر است. تکثیر آن به هر شکل و میزانی، بدون اجازه ناشر و مؤلف، و خرید و فروش آن کاری نادرست، غیرقانونی، و غیرشرعی است. پیامد این عمل ناصواب موجب پی‌انجامی در فضای نشر و فروش کتاب می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز محیطی ناسالم جهت بی‌ارزش کردن زحمات دست‌انگاران فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی در جامعه شود که در نهایت، به زیان خود شما و فرزندان‌تان خواهد رسید.

www.ketab.ir

سایت
www.ravabook.com

اربابان
نشر ارسباران

پست الکترونیکی
panahir91@yahoo.com

رویکردهای نوین به مدیریت آموزشی (الگوها و نویدها)

تألیف: ویلیام فاستر
ترجمه: دکتر علی علاقه‌بند
ناشر: ارسباران
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۲
تعداد صفحات: ۲۳۲ صفحه
لیتوگرافی: اطلس، چاپ و صحافی: طیف‌نگار
شمارگان: ۵۵۰

ISBN : 978-600-7385-87-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۵-۸۷-۶

مرکز پخش: تهران - خیابان زرتشت غربی، بین خیابان علیزاده و شیخ‌ر، پلاک ۶۳
تلفن: ۸۸۹۷۳۳۵۸ - ۹
تلفکس: ۸۸۹۶۲۷۰۷
۸۸۹۶۱۰۵۰
۸۸۹۶۱۰۷۰

فهرست

پیش‌گفتار.....	هفت
مقدمه.....	سیزده

فصل یکم: مدیریت در قالب یک علم اخلاقی..... ۱

مدیریت در موقعیت.....	۳
توسعه یک علم اخلاقی.....	۷
مدل‌های نوین مدیریت.....	۱۳

فصل دوم: تأملات انتقادی درباره تاریخ نظریه اداری..... ۱۹

تحول نظریه.....	۲۰
مدیریت علمی.....	۲۰
نهضت روابط انسانی.....	۲۳
شرح علم اجتماعی معاصر.....	۲۶
چستر بارنارد.....	۲۶
هربرت سایمون.....	۲۷
رویکردهای کنونی.....	۳۰

فصل سوم: الگوها و نویدها: بازبینی نظریه‌های اداری..... ۲۷

الگوها و استعاره‌ها.....	۳۸
سه چارچوب برای مدیریت آموزشی.....	۴۳
کارکردگرایی.....	۴۳
دیدگاه ذهن‌گرایانه.....	۴۵
چارچوب انتقادی.....	۴۸
نظریه انتقادی در زمینه‌های (محیط‌های) سازمانی.....	۵۱

فصل چهارم: مبانی تحلیل انتقادی در مدیریت ۵۷

۵۷	 مقدمه
۶۰	 نظریه انتقادی و جست‌وجو برای معنا
۶۱	 نظریه انتقادی به منزله انتقاد اجتماعی
۷۵	 خلاصه

فصل پنجم: بازسازی بنیادی آموزش مدرسه‌ای ۷۹

۷۹	 مقدمه
۸۱	 نظریه تطابق (همسازی)
۸۲	 مدل‌های نظری ساختار
۸۵	 تحلیل مارکسیستی
۸۹	 سه مطالعه درباره آموزش مدرسه‌ای
۱۰۰	 خلاصه

فصل ششم: دیدگاه‌های انتقادی درباره نظریه سازمانی ۱۰۳

۱۰۴	 چارچوب راهنمایی
۱۰۵	 بوروکراسی
۱۰۸	 رویکردهای سیستمی
۱۰۹	 شالوده دیدگاه سیستم‌ها
۱۱۰	 نظریه سیستم‌های اجتماعی: روان‌شناسی اجتماعی و سازمان
۱۱۲	 نظریه سیستم‌های اجتماعی: مکتب فنی
۱۱۴	 رویکردهای معاصر: فرایند به منزله استعاره
۱۱۵	 پیوند سست
۱۱۷	 رویکرد نهادی
۱۱۹	 آشغال‌دانی‌ها و آنا‌رشی‌ها
۱۲۱	 سازمان به منزله فرهنگ
۱۲۳	 رویکردهای سیاسی
۱۲۵	 بازبینی‌های انتقادی نظریه سازمانی
۱۲۵	 علم جدید
۱۲۷	 رویکرد دیالکتیکی به سازمان‌ها
۱۲۹	 جمع‌بندی

چه سخت است در مورد اثری سخن به میان آورد که هم صاحب اثر و هم مترجم به لحاظ ظرافت و عمق‌اندیشی شباهت زیادی به یکدیگر دارند؛ و شاید اغراق نباشد اگر گفته شود این اثر شاهکار‌گزینشی درست و مرتبط رشته‌ای است که با فهم شایسته از زبان مبدأ و مقصد پیام کتاب را به مخاطب اصلی خود که عبارت از اساتید، صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران و دانشجویان رشته مدیریت و مدیریت آموزشی به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی هستند، منتقل می‌سازد. لذا، به نظر می‌رسد در سه محور ضروری است به اختصار نکاتی مطرح شود. نخست تشریح وضعیت متون درسی رشته مدیریت آموزشی در زمان انتشار کتاب، دیگری نقش و سهم صاحب‌اثر در چنین شرایطی و در نهایت، قدردانی از تلاش و زحمات ارزشمند مترجم برای معرفی این کتاب شاخص به جامعه حرفه‌ای و دانشگاهی مدیریت آموزشی.

نخست آن‌که، متون درسی مدیریت آموزشی طی سال‌های دهه هشتاد میلادی درحالی‌که به تدریج در سیطره و نفوذ کتاب‌های کسب و کار تجاری نظیر مدیریت کیفیت جامع، سازمان‌های یادگیرنده، رهبری تحول‌گرا، عادات رهبران اثربخش و مدیریت از پایین به بالا قرار می‌گیرد و به‌عنوان موضوعات داغ در محیط‌های آموزشی، جلسات و کنفرانس‌ها از سوی اساتید و دانشجویان مدیریت آموزشی با اقبال عمومی مواجه می‌شود افرادی همچون فاستر هستند که راه سخت و دشواری برای تبیین نظری رشته مدیریت آموزشی و گره‌گشایی از مسائل آن با دیدگاه انتقادی می‌گشایند.

نظریه‌پردازی در این رشته متأثر از رویکردهای گفتمانی مختلف نظیر از مدیریت به رهبری، از غایت‌کارایی و اثربخشی به غایت تعالی و بهبود عملکرد و رهبری، از رویکرد نظری تبیینی به تفهیمی و انتقادی زمینه‌های تحول در خاستگاه مدیریت آموزشی تا رهبری آموزشی و مدیریت مدرسه تا رهبری مدرسه را فراهم می‌سازد. آن‌چه در کانون توجه قرار می‌گیرد تغییر مسیر از نظریه‌پردازی مدیریت مدرسه مبتنی بر مفاهیم بوروکراتیک به سمت رهبری مدرسه، همراه با ارج نهادن به مفاهیم فرهنگی به منزله یک رویکرد مثبت است. بی‌شک، این تغییر گفتمانی نه تنها تصادفی نبوده، بلکه به نظر می‌رسد واکاوی زمینه ایدئولوژیک این تغییر و

روش‌های تأثیرگذاری آن امری ضروری است. در این راستا، فاستر با تمرکز بر مفهوم رهبری آموزشی تلاش کرد روایت‌های جدید و متفاوتی را ابداع کند که بن‌مایه گفتمان آن قدرت اقتناع و ترغیب است. فاستر با به‌کارگیری مفهوم «فناوری فکری» فوکو، نشان می‌دهد که رهبران آموزشی می‌توانند روش نوینی از اندیشیدن و اعمال کنترل بر افراد را داشته باشند به نحوی که با توسعه اطلاعات و زبان، ظرفیت متقاعدسازی مؤثر دیگران را به دست آورند و روند کنترل مدرسه را از طریق ترمیم روابط و به‌کارگیری راهبردهای متفاوت و نو بهبود بخشند.

دوم آن‌که، فهم شایسته رشته مدیریت آموزشی ریشه در اندیشه‌های بزرگانی همچون فاستر دارد. فاستر نزد نام‌آوران رشته مدیریت آموزشی به منزله یک زمامدار بزرگ نظریه انتقادی مطرح می‌شود؛ کسی که هم ادبیات نظری و پیشینه کلاسیک مدیریت آموزشی و هم فلسفه انتقادی را به درستی درک کرد و با تمرکز بر نظریه‌های اجتماعی به خصوص نظریه‌های رفتاری و کارکردگرایی روان‌شناسی اجتماعی، مکتب فرانکفورت و به‌ویژه هابرماس دغدغه ایجاد نهادهای اجتماعی عادلانه را مطرح ساخت و در مراحل پیشرفت اندیشه‌های نظری خود از کارهای فیلسوفانی همچون آنتونی گیدنز، روی باسکار، برایان فی و پسا ساختارگرایان فرانسوی به خصوص فوکو تأثیر پذیرفت.

شاید بتوان اذعان داشت که کتاب فاستر از یک منظر متأثر از شرایطی است که منجر به شکل‌گیری دوره اصلاحات در نظام آموزش و پرورش آمریکا شد و در این سال‌ها نمی‌توان سهم چشمگیر انتشار گزارش ملتی در خطر^۱ توسط «کمیته ملی تعالی آموزش»^۲ در سال ۱۹۸۳ را نادیده گرفت. از سوی دیگر، نمایان شدن نقش چشمگیر چندین نظریه‌پرداز انتقادی در طول دهه ۱۹۸۰ در رشته مدیریت آموزشی است که در این رابطه نمی‌توان از کار جدی گرینفیلد و بیتز چشم‌پوشی کرد. از ایشان اغلب به عنوان نیروهای مولد در انتقاد از دانش و عملکرد در رهبری آموزشی یاد می‌شود. پژوهش‌های انتقادی مخالف عادی‌سازی و استانداردسازی رویکردهای نظریه اداری آموزشی بودند.

البته میان نظریه‌پردازان انتقادی به‌رغم جهت‌گیری انتقادی که داشتند تفاوت‌هایی متصور است. به عنوان مثال به اختلاف فاستر و گرینفیلد که ریشه در تفکر سنتی پیرامون نظریه سازمانی و رهبری در مدرسه داشت، می‌توان اشاره نمود. درحالی‌که نگاه ذهنی و تفسیری گرینفیلد به علوم مدیریتی رویکرد مثبت‌گرا و رفتاری برای مدیریت مدارس است؛ فاستر درصدد

فراخوانی برای یک نظریه انتقادی اداری و دگرگون‌کننده است. فاستر هرچند مانند گرینفیلد عقلانی شدن بیش از حد روابط سازمانی و رفتارهای تجویزی را محکوم می‌کند اما برخلاف گرینفیلد، از این‌که نظریه علوم اداری مدیران مدارس را با وعده‌های واهی کور کند، شاکی بود. او با محکوم کردن فزون‌گرایی و جبرگرایی که بر اکثر روایات مدرنیستی در نظریه‌های علوم اداری حاکم بود، تلاش کرد تا یک دیدگاه ایده‌آل از تفکر انتقادی در عملکرد رهبری آموزشی ارائه نماید. فاستر از تعهدات اخلاقی مدیران مدارس در تلاش برای توسعه و به چالش کشیدن و رهایی روح‌های انسانی سخن به میان می‌آورد. وی با طرح این ادعا که هر تصمیم اداری با خود تجدیدساختار زندگی انسانی را به همراه دارد دلیل موجهی برای مدیریت آموزشی مطرح می‌کند که در قلب خود رسالت حل معضلات اخلاقی را زمزمه می‌کند و از این طریق تفسیر خود را از اخلاق حرفه‌ای رهبری آموزشی گسترش می‌دهد. هرچند سهم فاستر در مدیریت آموزشی به همان اندازه که در نئومارکسیسم ریشه دارد، در علوم انسانی نیز ریشه دارد اما شاید بتوان اذعان داشت که او بیشتر یک ایده‌آلیست انتقادی بود تا یک نئومارکسیست متعصب. فاستر به‌عنوان یک ایده‌آلیست انتقادی، مشاهده کرد که چگونه یک آموزش خوب صرفاً توزیع حقایق مبتنی بر اصول دموکراتیک نیست بلکه، آموزش و پرورش مستلزم ظرافت در ذهن‌های در حال رشد و روح و روان دانش‌آموزان است. نباید با آموزش و پرورش به‌سادگی استفاده از یک آنتی‌بیوتیک موضعی برخورد کرد و موفقیت در آن بیایمند فلسفه‌ای به‌مراتب عمیق‌تر است. میراث ماندگار فاستر برای مدارس این بود که می‌توانند بهشتی برای فکر کردن باشند. معلمان و دانش‌آموزان و همچنین اجتماع محلی، باید مدارس را پناهگاهی برای آزادسازی تحقیق در مورد دانش و همچنین شرایط اجتماعی کار و زندگی‌شان بدانند. از دید وی رویکردهای سنتی برای توضیح پدیده‌های رهبری در مدرسه بیشتر توهم هستند تا روشنگری. با انتشار این کتاب فاستر با بررسی دقیق‌تر دیدگاه‌های بازارگرا و متعارف سازمان‌ها، آموزش مدرسه‌ای متعارف در کسب دانش و مدرسه‌داری و رهبری را به چالش کشید.

نوع نگاه انتقادی فاستر نیز در این کتاب و دیگر آثارش بسیار حائز اهمیت است. آن‌گونه که فاستر نشان می‌دهد مدیریت آموزشی مملو از تنش‌ها و تناقضات حل‌نشده‌ای است که برخی از آنها ریشه در تلاشی دارد که برای اجرای مدلی از رهبری به صراحت ساخته و پرداخته دنیای کسب و کار تجاری است و با این نقطه اتصال سعی می‌شود تا کارایی و اثربخشی آن حفظ و افزایش یابد. محور اساسی این مدل، ایدئولوژی سازمانی است که کمتر علاقه‌ای نسبت به ذهنیت‌ها، واقعیت‌ها، و موقعیت‌های گروه‌ها و افرادی که به آنها می‌پردازد، دارد. در عین حال،

این ایدئولوژی سازمانی نیز احساسات، تعهدات، صداها و سیاسی و اخلاقی کسانی را که مؤلفه‌های سازمان را اداره می‌کنند، به حاشیه رانده و اغلب خاموش می‌سازد. افرادی که پیرو دیدگاه سنتی مدیریت آموزشی هستند، اغلب دیدگاه شخصی خود را تابع ایدئولوژی نهادی و رویه‌های اجتماعی می‌دانند که سازمان را هدایت می‌کند. لکن، برای مدیران انتقادی یا مترقی، مسائل موجود مدیریت آموزشی دوگانه است. اول، آنها باید تضادهایی را شناسایی کنند که این امر، آنها را از ایجاد شکلی از رهبری اداری منطبق با اعتقادات خود باز می‌دارد. دوم، آنها باید یک روش انتقادی از سرلوحه کار خودشان ارائه دهند که سبب می‌شود موقعیت‌هایی را که در آن قرار می‌گیرند، متحول سازند. تضادها و تنش‌ها ریشه در فهم مدیران آموزشی از آموزش مدرسه‌ای مبتنی بر الزامات بوروکراتیک دارد و در مقابل تمهیدات و تدابیر ابهام‌زدایی، و بررسی انتقادی از خود همواره مقاومت نشان می‌دهند. مدیران آموزشی همچنین با تضادهای چندگانه‌ای از حیث قوانین و مقررات معمول درگیر هستند، مانند نحوه رسیدگی به مسائل مدرسه، کار کردن با دانش‌آموزان، کار کردن با معلمان و مدیریت آموزشی در یک زمینه اجتماعی گسترده‌تر تحت عنوان مدیریت اجتماع محلی. تناقض دیگری که مدیران را سردرگم می‌سازد نقشی است که در عرصه مدیریت فرهنگی و حفظ و تداوم این نقش برعهده دارند، برخلاف نقشی که در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کمک به تغییرات اجتماعی بازی می‌کنند. ویلیام فاستر، در کتاب الگوها و نویدها: رویکردهای نوین به مدیریت آموزشی، سعی دارد به طرز ماهرانه‌ای با این تضادها و چندین تناقض دیگر دست‌وپنجه نرم کند تا از آنها دیدگاه جدیدی در مورد فعالیت‌های متعدد رهبر آموزشی استخراج کند. رویکرد علمی فاستر به بحث مدیریت مدرسه عمدتاً متأثر از احیای نقش رهبران آموزشی فراسوی مسئولیت‌های جاری و متداول سنتی است.

مدرسه به منزله فرهنگ درحالی‌که کارخانه زنده طرح عمیق‌ترین مسائل زندگی اجتماعی است و نیازمند ذهن آماده تحلیل‌گری است، جایگاهش تا سطح یک کلاس درس و اخذ یک مدرک تحصیلی و یادسپاری‌های فرار تنزل یافته و جذابیت خود را روز به روز بیشتر از دست می‌دهد. این کتاب و نگاه فاستر درصدد است تا با پر کردن خلأ پیش آمده فرصت مناسبی را در اختیار اساتید و دانشجویان ژرف‌نگر به‌خصوص در سطح تحصیلات تکمیلی قرار دهد تا به دور از یک عادت مرسوم بی‌روح، مسائل و مباحث مدیریت آموزشی را با رویکردی نوین مورد بررسی قرار دهند.

آموزش مدرسه‌ای امروز غرق در بحران هویت، اعتماد و اطمینان‌بخشی است. ناتوان از

پاسخگویی به جدی‌ترین پرسش‌های مطرح نسل کنونی است. به عنوان مثال سهم یاری مدیریت آموزشی در حل مسائل اجتماع چگونه است؟ آیا مدرسه آرمان‌ها و ارزش‌های اصیل نظام اجتماعی ما را تقویت می‌کند یا سد مقاومتی در برابر آن بنا می‌نهد؟ رنج دیرین ما از افت تحصیلی، هدر دادن زمان و هزینه‌های فرصت، برنامه‌های درسی نابهره‌ور، و کم‌بها شدن نمرات درسی که پوششی برای پنهان‌سازی کیفیت واقعی آموزش و پرورش است، هنوز التیام نیافته است.

ویژگی برجسته این کتاب آن است که با رویکرد تحلیل انتقادی هم مدیریت و هم آموزش و پرورش را در نقد آتشین خود درگیر می‌سازد و با رابطه جدلی نظریه و عمل بررسی فکورانه ایده‌ها را در معرض بازاندیشی انتقادی قرار می‌دهد. با نقد بینش سنتی مبتنی بر روش خاص اثبات‌گرایانه سعی می‌کند تفاوت را در مدیریت آموزشی ارج بنهد و مشروعیت آن را فراسوی کنش اداری مبتنی بر کسب و کار تجاری معنا سازی کند. فاستر با گذر از قوت و ضعف‌های نظریه سنتی و پی‌ریزی یک مفهوم سازی برگرفته از نظریه اجتماعی انتقادی تلاش می‌کند عملکرد مدیریت آموزشی را بازآفرینی کند و با تأمل بر موضوعات سازمان آموزشی، رهبری و تحول راهبردهای اثربخشی برای کنش‌های اداری ارائه دهد.

در نهایت باید اذعان داشت که علاقه‌مندان نگاه شاگردی که بیش از سه دهه در محضرش تلمذ نموده‌ام به عنوان انسانی بی‌ادعا، گوهر کمیاب انسانیت، شرافت جایگاه استادی دانشگاه و به تعبیر این حقیر فخر نظام آموزش عالی ایران چه شایسته این کتاب را انتخاب می‌کند؛ چقدر عمیق و پخته زبان مبدأ را فهم می‌کند؛ در عین وفاداری به متن اصلی چه روان و منسجم برای مخاطب ترجمه می‌کند؛ و با عمق‌نگری و سواس‌گونه معادل‌گذاری می‌کند؛ و در حالی که با دنیایی از دلتنگی‌های به‌جای‌مانده از مرام و سلوک بزرگوارانه‌اش ما را تنها می‌گذارد و آسمانی می‌شود، اندیشه زلال و بی‌تکلف خود را در این اثر وزین برای مخاطبانش به یادگار می‌گذارد. او مسیر فهم و دانستن را به درستی و با پشتکار و جد و جهد هوشمندانه طی کرد و برای همه کسانی که وی را از نزدیک می‌شناختند همواره شایسته احترام بود. امید است که این اثر فاخر مورد استقبال جامعه دانشگاهی به‌ویژه اساتید و دانشجویان رشته مدیریت آموزشی و مدیریت آموزش عالی در دانشگاه‌های کشور قرار گیرد.

عباس عباس‌پور

استاد مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی